**واقعه‌‌ای در شب نوزدهم در مسجد كوفه**

سال 40 هجری قمری: ضربت خوردن حضرت علی علیه السلام در مسجد كوفه.

عبدالرحمن بن ملجم مرادی، از گروه خوارج و از آن سه نفری بود كه در مكه معظمه با هم پیمان بسته و هم سوگند شدند، كه سه شخصیت مؤثر در جامعه اسلامی، یعنی امام علی بن ابی طالب علیه السلام، معاویه بن ابی سفیان و عمرو بن عاص را در یك شب واحد ترور كرده و آن ها را به قتل رسانند.

هر كدام به سوی شهرهای محل مأموریت خویش رهسپار شدند و عبدالرحمن بن ملجم مرادی به سوی كوفه رفت و در بیستم شعبان سال 40 قمری وارد این شهر بزرگ شد. [ نگاه كنید: بیستم شعبان سال 40 هجری قمری ]

وی به همراهی شبیب بن بجره اشجعی، كه از همفكران وی بود و هر دوی آن ها از سوی "قطام بنت علقمه" تحریك و تحریص شده بودند، در سحرگاه شب نوزدهم ماه مبارك رمضان سال 40 قمری در مسجد اعظم كوفه كمین كرده و منتظر ورود امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام شدند.(1) هم چنین قطام، شخصی به نام "وردان بن مجالد" را كه از افراد طایفه اش بود، به یاری آن دو نفر فرستاد.(2)

أشعث بن قیس كندی كه از ناراضیان سپاه امام علی علیه السلام و از دو چهرگان و منافقان واقعی آن دوران بود، آنان را راهنمایی، پشتیبانی و تقویت روحی می نمود.(3)

حضرت علی علیه السلام در شب نوزدهم ماه مبارك رمضان، مهمان دخترش ام كلثوم(س) بود و در آن شب حالت عجیبی داشت و دخترش را به شگفتی درآورد.

روایت شد كه آن حضرت در آن شب بیدار بود و بسیار از اتاق بیرون می رفت و به آسمان نظر می كرد و می فرمود: به خدا سوگند، دروغ نمی گویم و به من دروغ گفته نشده است. این است آن شبی كه به من وعده شهادت دادند.(4)

به هر روی، آن حضرت به هنگام نماز صبح وارد مسجد اعظم كوفه شد و خفته گان را برای ادای نماز بیدار كرد. از جمله، خود عبدالرحمن بن ملجم مرادی را كه به رو خوابیده بود، بیدار و خواندن نماز را به وی گوش زد كرد.

هنگامی كه آن حضرت وارد محراب مسجد شد و مشغول خواندن نماز گردید و سر از سجده اول برداشت، نخست شبیث بن بجره با شمشیر برّان بر وی هجوم آورد، ولیكن شمشیرش به طاق محراب اصابت كرد و پس از او، عبدالرحمن بن ملجم مرادی فریادی برداشت: "لله الحكم یا علی، لا لك و لا لأصحابك"! و شمشیر خویش را بر فرق نازنین حضرت علی علیه السلام فرود آورد و سر مباركش را تا به محل سجده گاهش شكافت.(5)

حضرت علی علیه السلام در محراب مسجد، افتاد و در همان هنگام فرمود: بسم الله و بالله و علی ملّة رسول الله، فزت و ربّ الكعبه؛ سوگند به خدای كعبه، رستگار شدم.(6)

نمازگزاران مسجد كوفه، برخی در پی شبیب و ابن ملجم رفته تا آن ها را بیابند و برخی در اطراف حضرت علی علیه السلام گرد آمده وبه سر و صورت خود می زدند و برای آن حضرت گریه می نمودند.

حضرت علی علیه السلام، در حالی كه خون از سر و صورت شریفش جاری بود، فرمود: هذا ما وعدنا الله و رسوله؛(7) این همان وعده ای است كه خداوند متعال و رسول گرامی اشت به من داده اند.

حضرت علی علیه السلام كه توان ادامه نماز جماعت را نداشت، به فرزندش امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمود كه نماز جماعت را ادامه دهد و خود آن حضرت، نمازش را نشسته تمام كرد.

روایت شد، كه در هنگام ضربت زدن عبدالرحمن بن ملجم بر سر مطهر حضرت علی علیه السلام، زمین به لرزه در آمد و دریاها مواج و آسمان ها متزلزل شدند و درهای مسجد به هم خوردند و خروش از فرشتگان آسمان ها بلند شد و باد سیاهی وزید، به طوری كه جهان را تیره و تاریك ساخت و جبرئیل امین در میان آسمان و زمین ندا داد و همگان ندایش را شنیدند. وی می گفت: تهدمت و الله اركان الهدی، و انطمست أعلام التّقی، و انفصمت العروه الوثقی، قُتل ابن عمّ المصطفی، قُتل الوصیّ المجتبی، قُتل علیّ المرتضی، قَتَله أشقی الْأشقیاء؛(8) سوگند به خدا كه اركان هدایت درهم شكست و ستاره های دانش نبوت تاریك و نشانه های پرهیزكاری بر طرف گردید و عروه الوثقی الهی گسیخته شد. زیرا پسر عموی رسول خدا شهید شد، سید الاوصیا و علی مرتضی به شهادت رسید. وی را سیاه بخت ترین اشقیاء، (یعنی ابن ملجم مرادی) به شهادت رسانید.

بدین گونه پیشوایی شایسته، امامی عادل، خلیفه ای حق جو، حاكمی دلسوز و یتیم نواز، كامل ترین انسان برگزیده خدا و جانشین بر حق محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، به دست شقی ترین و تیره بخت ترین انسان روی زمین، یعنی ابن ملجم مرادی ملعون، از پای درآمد و به سوی ابدیت و لقاء الله و هم نشینی با پیامبران الهی و رسول خدا صلی الله علیه و آله رهسپار گردید و امت را از وجود شریف خویش محروم نمود.

**پی‌نوشت‌ها:**

1- الارشاد (شیخ مفید)، ص 20؛ الجوهره فی نسب الامام علی و آله (البری)، ص 112 .

2- وقایع الایام (شیخ عباس قمی)، ص 41؛ تاریخ ابن خلدون، ج2، ص 184 .

3- الارشاد، ص 21؛ وقایع الایام، ص 41؛ منتهی الآمال (شیخ عباس قمی)، ج1، ص 171 .

4- منتهی الآمال، ج1، ص 172 .

5- الارشاد، ص 23؛ منتهی الآمال، ج1، ص 172؛ الجوهره فی نسب الامام علی و آله، ص 113؛ وقایع الایام، ص 41 .

6- منتهی الآمال، ج1، ص 174 .

7- همان .

8- همان .

منبع: تبیان